بررسی

چرا فوکویاما همچنان درکی از تاریخ ندارد؟

الکس کالینیکوس

گروه اندیشه: فرانسیس فوکویاما، استاد دانشگاه و تحلیلگر راست‌گرای آمریکایی است که با نظریه «پایان تاریخ» به شهرت جهانی رسید. اواخر قرن گذشته بود که اعلام کرد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیروزی لیبرال‌دموکراسی به عنوان جریان غالب، مسلط و بهترین نظام اجتماعی و سیاسی ممکن تاریخ نیز به پایان رسیده و همه کشورها و جوامع باید در برابر آن تسلیم شوند. او این پایان را پایانی خوش نامید. اعلام این حکم منتقدان و همچنین هواداران بسیاری برای او در جهان به ارمغان آورد. در ایران نیز بسیاری به آرا و نظرات او گرویدند. مقالات و یادداشت‌های او به فارسی ترجمه شد و به‌تازگی نیز یکی دیگر از کتاب‌های او، «نظم و زوال سیاسی»، ترجمه شده است. دیری نپایید که پایان خوش تاریخ هم به پایان رسید؛ بحران مالی و اعتباری در سراسر جهان، فقر و بی‌کاری گسترده، توریسم و رشد فضای امنیتی در جهان، جنگ‌های نیابتی، بحران زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی، قحطی و خشک‌سالی و بحران فراگیر ناتوجهان تنها بخشی از بحران‌های جهان حاضر است که نشان می‌دهد مهمی از جمله مارکس، لنین، برنر، داب، سویزی، والرشتاین، آریگی و دیگران می‌پردازد و تحلیل مناسبی از چگونگی تحقق سرمایه‌داری ارائه می‌کند. این کتاب مناسب خوانده عامی است که می‌خواهد بداند سرمایه‌داری از کجا به وجود آمده و قصد دارد با بحث‌های تاریخی اصلی درباره خاستگاه‌های آن آشنا شود. «رایش دموکراسی» از چشم‌انداز سده بیست‌ویکم» سومین اثر در این زمینه است که حسن مرتضوی با نشر تالث منتشر کرده است. دو دانر قبلی عبارتند از: «بحث برنر» (۱۳۹۵) و «خاستگاه سرمایه‌داری از چشم‌انداز گسترده‌تر» (۱۳۹۶).

طرح کتاب: رابطه دولت و سرمایه

کتاب در هفت فصل تنظیم شده است. فصل ابتدایی تقریبا بر اساس ترتیب زمانی است و مشخصا بر تاریخ اروپا تاکید دارد. اما بحث‌های بعدی درباره گذار به سرمایه‌داری فراتر از تمرکز بر اروپای غربی در فصول اول است و می‌توان گفت بیشتر جنبه‌های غیر اقتصادی‌اولیه و غیر اروپامحور دارد. برخلاف فصول اول که تمرکز بر اروپای غربی دارد، فصول بعدی به اسکاندیناو، آمریکا، پروس، ژاپن، روسیه، کره، تایوان و دیگر کشورهای غیر اروپایی اختصاص دارد. استدلال مبالی برای بررسی این موضوعات نیز در سراسر کتاب متمرکز بر چیز جابه است: ۱) توسعه سرمایه‌داری در دوره‌ای بلندمدت به بار نشست که سه قرن طول کشید و همچنان هم ادامه دارد؛ ۲) مبارزه طبقاتی و تغییرات در مناسبات تولید اینجا قاطعانه‌تر از پارادایم قدیم می‌گسلد و بنیادی برای شرح و تفصیل‌های مهم توسط مورخان مارکسیست بسیار ایجاد می‌کند. دید در باره اول به دفعه نظریات کارل پولانی، پیری اندرسن، رابرت برنر، موریس داب، ای. پی. تامپسن، کونسر فرانک، پل سویزی، ایمانوئل والرشتاین و متفکران دیگری را که گسستی از نظریات جبرباورانه پیشین بودند توضیح می‌دهد.

سرمایه‌داری، یک گسست تاریخی

دو دیدگاه مورد بررسی در سراسر کتاب، نحوه شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری به عمل آمده. این است که آیا به تحقق علمی‌ترین شکل‌های همیشه‌حاضر پرداخته‌اند. او در مقدمه توضیح می‌دهد که تقریبا بدون استثنا همه شرح‌های مربوط به خاستگاه سرمایه‌داری در بنیاد خود به صورت دوراتی بوده‌اند: «آنها وجود پیشین سرمایه‌داری را می‌پذیرند تا تکوین آن را توضیح دهند. برای توضیح رشد ممتاز سرمایه‌داری به بینیه سازی سود، وجود عقلانیتی که یا پیش‌فرض قرار داده‌اند که سود را بینیه می‌کند. همچنین برای توضیح رشد ممتاز سرمایه‌داری در غرب، به وجود پیشینی عقلانیتی که یا پیش‌فرض قرار داده‌اند که سود را بینیه می‌کند. همچنین برای توضیح رشد ممتاز سرمایه‌داری در غرب، به وجود پیشینی عقلانیتی که یا پیش‌فرض قرار داده‌اند که سود را بینیه می‌کند. در هر سه فصل نقش تعیین‌کننده دولت در فرایندهای مورد بحث برجسته می‌شود. هلر در فصل دوم در مقابل دیدگاه انگلستان‌مدار می‌ایستد و نشان می‌دهد که «تکوین سرمایه‌داری را باید همچون زایش نظام جهانی دانست که هم اروپای غربی و هم بخش اعظم جهان فراتر از آن را در برگرفت». او در این فصل به بحث درباره سرمایه‌داری مدرن اولیه در ایتالیا، آلمان و فرانسه می‌پردازد. انباشت سرمایه‌دارانه در ایتالیا با تکیه بر تجارت و امور مالی آغاز شد و از کوه‌های آلپ گذر کرد و در آلمان و فرانسه و هلند و حتی اسپانیا گسترش یافت. هلر انگلستان را آخرین ایستگاه در ظهور اولیه سرمایه‌داری می‌داند که البته موفق‌ترین نمونه آن بود. این موضوع بسیار مهم است. چون پیامدهای مهمی برای فهم گذار ممکن به سوسیالیسم دارد: «احتمالا هر گذاری به سوسیالیسم زمانی بس دراز خواهد بود. سرنشار از تغییرات ناگهانی، شکفتی‌ها و روندهای معکوس. فیروبانی انجاد شوروی نمونه‌ای از آن است». همچنین هلر در این فصل می‌کوشد با تبیین اینکه سرمایه‌داری در چه کشوری ریشه بیشتری کرد و در چه کشوری رشد اولیه آن متوقف شد، مسیر ویژه فرانسه را در راه رسیدن به سرمایه‌داری نشان دهد و سرانجام آن را در انقلاب ۱۷۸۹. در مقابل، فصل سوم به بحث درباره خاستگاه‌های سرمایه‌داری در بریتانیا اختصاص دارد. هرچند مباحث این فصل عمدا معطوف به انگلستان نیست و از آن فراتر می‌رود. او تاکید دارد به دلیل نقش تعیین‌کننده دولت در توسعه سرمایه‌داری نباید از ماهیت طبقاتی آن و اهمیت انقلاب سیاسی و اجتماعی غافل شد. در فصل چهارم دولت سرمایه‌داری از طریق انقلاب تحقیق شد. به همین جهت، در فصل چهارم به انقلاب‌های سرمایه‌داری در هلند، انگلستان و فرانسه می‌پردازد و دلایل اهمیت انقلاب بورژوایی را برای توسعه بیشتر سرمایه‌داری در اروپا توضیح می‌دهد. در نظر هلر، این انقلاب‌ها دولت مدرن اولیه را بی‌بهره به دولتی سرمایه‌دارانه تبدیل کرد. به‌عنوان مثال، هلر با این نظر که سرمایه‌داری تجاری در هلند به شیوه فئودالی وابسته به دولت مدرن اولیه بوده مخالفت می‌کند و در برابر این تصور غالب، نشان می‌دهد در هلند نخستین یک سرمایه‌داری زراعی رشد کرد بلکه یک انقلاب سرمایه‌داری نیز تجربه شد.

هلر به مساله گذار به سرمایه‌داری در کشورهای مختلف نیز می‌پردازد و این گذارها را در چهار فصل اول کتاب. در کنار گذار آمریکا، نمونه‌های «سرمایه‌داری از پایین» می‌دانند که از تولیدکنندگان خرد نشست گرفته‌اند. او انقلاب‌های مدرن را مالی می‌داند از تشکیل سرمایه‌داری از پایین. مشخصا انقلاب‌های تعمیق، حفظ و ادغام مناسبات سرمایه‌داری از طریق جامعه. در واقع، او دولت را جزئی اساسی در رشد سرمایه‌داری می‌داند.

طرح کلی کتاب از این قرار است: فصل اول به اصمحلال فئودالیسم و خاستگاه‌های سرمایه‌داری در غرب و قدرتیابی مجدد فئودالیسم در دیگر نقاط جهان می‌پردازد. هلر در این فصل نشان می‌دهد که برخلاف تصور غالب، نمی‌توان ظهور اولیه سرمایه‌داری را موضوعی منحصرا انگلیسی دانست و باید آن را بر اساس کل اروپای غربی درک کرد. در توصیف او، مبارزه علیه فئودالیسم و توسعه مناسبات سرمایه‌داری در کل اروپای غربی در اواخر قرون میانه شکل گرفت. فصل دوم و سوم بر اهمیت تاریخی ارزش اضافی نسبی و بازارهای سرمایه‌داری تاکید می‌کنند. در هر سه فصل نقش تعیین‌کننده دولت در فرایندهای مورد بحث برجسته می‌شود. هلر در فصل دوم در مقابل دیدگاه انگلستان‌مدار می‌ایستد و نشان می‌دهد که «تکوین سرمایه‌داری را باید همچون زایش نظام جهانی دانست که هم اروپای غربی و هم بخش اعظم جهان فراتر از آن را در برگرفت». او در این فصل به بحث درباره سرمایه‌داری مدرن اولیه در ایتالیا، آلمان و فرانسه می‌پردازد. انباشت سرمایه‌دارانه در ایتالیا با تکیه بر تجارت و امور مالی آغاز شد و از کوه‌های آلپ گذر کرد و در آلمان و فرانسه و هلند و حتی اسپانیا گسترش یافت. هلر انگلستان را آخرین ایستگاه در ظهور اولیه سرمایه‌داری می‌داند که البته موفق‌ترین نمونه آن بود. این موضوع بسیار مهم است. چون پیامدهای مهمی برای فهم گذار ممکن به سوسیالیسم دارد: «احتمالا هر گذاری به سوسیالیسم زمانی بس دراز خواهد بود. سرشار از تغییرات ناگهانی، شگفتی‌ها و روندهای معکوس. فیروبانی اتحاد شوروی نمونه‌ای از آن است». همچنین هلر در این فصل می‌کوشد با تبیین اینکه سرمایه‌داری در چه کشوری ریشه بیشتری کرد و در چه کشوری رشد اولیه آن متوقف شد، مسیر ویژه فرانسه را در راه رسیدن به سرمایه‌داری نشان دهد و سرانجام آن را در انقلاب ۱۷۸۹. در مقابل، فصل سوم به بحث درباره خاستگاه‌های سرمایه‌داری در بریتانیا اختصاص دارد. هرچند مباحث این فصل عمدا معطوف به انگلستان نیست و از آن فراتر می‌رود. او تاکید دارد به دلیل نقش تعیین‌کننده دولت در توسعه سرمایه‌داری نباید از ماهیت طبقاتی آن و اهمیت انقلاب سیاسی و اجتماعی غافل شد. در فصل چهارم به انقلاب‌های سرمایه‌داری در هلند، انگلستان و فرانسه می‌پردازد و دلایل اهمیت انقلاب بورژوایی را برای توسعه بیشتر سرمایه‌داری در اروپا توضیح می‌دهد. در نظر هلر، این انقلاب‌ها دولت مدرن اولیه را بی‌بهره به دولتی سرمایه‌دارانه تبدیل کرد. به‌عنوان مثال، هلر با این نظر که سرمایه‌داری تجاری در هلند به شیوه فئودالی وابسته به دولت مدرن اولیه بوده مخالفت می‌کند و در برابر این تصور غالب، نشان می‌دهد در هلند نخستین یک سرمایه‌داری زراعی رشد کرد بلکه یک انقلاب سرمایه‌داری نیز تجربه شد.

خاستگاه سرمایه‌داری از چشم‌انداز گسترده‌تر

تن میک‌سینز وود
ترجمه: حسن مرتضوی
ناشر: تالث
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

بدیل سرمایه‌داری

علی اخوت

سرمایه‌داری چگونه به وجود آمد؟ آیا آن‌گونه که اقتصاد سیاسی کلاسیک ادعا می‌کرد تنیجه یک نظم طبیعی بود که امتداد آن را می‌شد تا قدیمی‌ترین نمودهای عقلانیت همچون ساخت نخستین ابزار و یا استفاده از آتش به دست هوموسیپیانس یا مبادله بین انسان‌ها در عصر عتیق عقب برد یا آن‌گونه که مارکس توضیح می‌دهد تنیجه دگرگونی مناسبات اجتماعی مالکیت بود که «قوانین حرکت» سرمایه‌داری ایجاد می‌کرد.

بحث درباره خاستگاه سرمایه‌داری در اقتصاد سیاسی و تاریخ‌نگاری قدیم بسیار مجادله‌آمیز و بالنده بوده است. از جمله افرادی که در این زمینه پژوهش کرده متفکر برجسته «مارکسیسم سیاسی» اثر مایک میک‌سیز بود که نتیجه‌گار خود را در کتاب «خاستگاه سرمایه‌داری» منتشر کرد. این کتاب امروز به عنوان اثری کلاسیک شناخته می‌شود. او در مقدمه هدف خود را از این کتاب هم دانش‌پژوهانه می‌داند و هم جنبه سیاسی. کتاب را انتشارات ماتنلی ریویو در سال ۱۹۹۹ منتشر کرد. وود در سال ۲۰۰۲ درگذشت‌ای که انتشارات ورسو منتشر کرد. شرح قبلی خود را گسترش داد و بخش‌ها و فصل‌هایی جدید و زیرعنوان «از چشم‌انداز گسترده‌تر» را به آن افزود. ترجمه این کتاب از سوی نشر تالث در اواخر سال ۱۹۸۹ نوشته بود «قطعا مساله طبقه در غرب به طور واقعی حل شده است. برابری‌خواهی در آمریکای دست‌یافتنی است و به طور واقعی حل شده است. برابری‌خواهی در آمریکای دست‌یافتنی است و به طور واقعی حل شده است».

تا اینکه در سال ۲۰۱۶ نظر فوکویاما تغییر کرد. او در تلاش برای توضیح ترامپ دوباره تاریخ را در روزنامه فایننشال‌تایمز نوشت که طبقه اجتماعی «ظاهرا تبدیل شده به مهم‌ترین شکاف اجتماعی در بسیاری از کشورهای صنعتی و در حال توسعه». در مصاحبه‌ای با مجله نیواستیتسمن تغییر موضوع خود را آشکارتر کرد: «چیزی که آن‌موقع گفتم این بود که دموکراسی مدرن صلح و رفاه به همراه دارد ولی مشکل اینجاست که مردم بیش از این می‌خواهند». لیبرال‌دموکراسی حتی نمی‌تواند زندگی خوب را تعریف کند. این قضیه را به فرد واگذار می‌کند. فرد حس ارخودبیگانگی و بی‌هدفی می‌کند. و به همین دلیل است که پیوستن به گروه‌های هویتی به افراد حس تعلق به یک جماعت می‌دهد. به گفته او، منتقدانش «احتمالا کتاب پایان تاریخ را تا انتها نخوانده‌اند، یعنی بخش واپسین انسان که دوراقع از برخی از تهدیدهای بالقوه دموکراسی می‌گوید». او در کتاب جدیدش «هویت: خواست کرامت و سیاست کینه‌توزی» می‌کوشد به جریان‌های ضدلیبرال کنونی، از امریکا تا روسیه، ترکیه، لهستان، مجارستان و ایران بپردازد. فوکویاما در مصاحبه اخیر خود تا آنجا پیش رفت که اذعان کرد: «در این مقطع به نظر می‌رسید برخی از حرف‌های کارل مارکس درست از آب درآمده. او درباره بحران تولید مازاد صحبت کرده. که در نتیجه آن کارگران فقیرتر خواهند شد و با ناگاهی بودن تقاضای مؤثر در بازار روبه‌رو می‌شویم». اظهارات تنبیه فوکویاما هم مثل اظهارات سابقش سروصدای زیادی به‌پا کرده و برخی به نقد مواضع جدید او پرداخته‌اند. از جمله الکس کالینیکوس، نظریه‌پرداز سیاسی و عضو کمیته مرکزی حزب کارگران سوسیالیست. در یادداشتی به نقد او پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

فرانسیس فوکویاما به‌تازگی کتابی منتشر کرده با عنوان تکراری و ملال‌آور «هویت». گمترکسی به این نکته اشاره کرده است. سال ۱۹۹۲ که کتابش «پایان تاریخ و واپسین انسان» منتشر شد، اوضاع بسیار متفاوت بود. فوکویاما همان موقع هم مشهور بود. در سال ۱۹۸۹ وقتی در دوره ریاست‌جمهوری بوش پدر معاون مدیرکل برنامه‌ریزی سیاسی وزارت امور خارجه بود مقاله‌ای منتشر کرد با عنوان «پایان تاریخ؟» ادعایش این بود که پیروزی اتحاد متحده بر روسیه استالینی شاهدی است بر پیروزی قاطع سرمایه‌داری لیبرال بر کمونیسم. و از این‌رو، گواهی است بر پایان تاریخ.

فوکویاما تاریخ را به پیروی از فیلسوف بزرگ هگل، نبردی می‌دانست بین ایدئولوژی‌های رقیب. به بد ادعای او، کمونیسم نمایانده آخرین مجموعه از ایده‌های مترقی بود که می‌توانست سرمایه‌داری را به چالش بکشد. وقتی کمونیسم شکست خورد، تاریخ به پایان رسید. فوکویاما با سخنگوی سرمایه‌داری پیروزمندانه‌ای می‌دانستند که رونالد ریگان و مارگارت تاچر ارائه کردند.

این تصور از او چندان منصفانه نبود. فوکویاما در بخش معروفی از کتاب با خود می‌گوید: «پایان تاریخ دورانی خلق خواهد بود، دورانی زیر سلطه «محاسبات اقتصادی حل‌ناپذیر مشکلات فنی، دغدغه‌های زیست‌محیطی، و جبران مطالبات پیچیده مشتریان». اما در کتاب برای مارکس انقلابی مثل یک آدم بیش‌ازاندازه و بی‌اهمیت برخورد شده است.

در سال ۱۹۹۲ در مرجستر مناظره‌ای شتابزده با فوکویاما درباره این کتاب. کمی در میان ۲۰۰ مخاطب یک‌پنجم مناظره حاضر نشد از او حمایت کند و او ناچار شد با بی‌میلی اعلام کند «به نظرم تاریخ خود در منچستر به پایان نرسیده است». در دهه‌های بعد هم تاریخ لجوجانه ثابت کرد که زیرعنوان «از چشم‌انداز گسترده‌تر» را به افزود. ترجمه فارسی این کتاب در سال ۱۹۸۹ نوشته بود «قطعا مساله طبقه در غرب به طور واقعی حل شده است. برابری‌خواهی در آمریکای دست‌یافتنی است و به طور واقعی حل شده است».

چگونه گذار به سرمایه‌داری در سراسر جهان انجام شد؟

بررسی کتاب هلر در این فصل به بررسی نقش دولت در تحولات تاریخی و درهم‌تنیده آنها می‌کند که زایش نظام جدید سرمایه‌داری را ممکن ساخت. شکل‌گیری شهرها، رابطه شهرها و تجارت، نحوه خاص شکل‌گیری سرمایه‌داری در فلوراتس و جمهوری هلند، نقش مهم سرمایه‌داری زراعی و تاثیر آن در ظهور مالکیت سرمایه و اخلاق «عمران و آبادانی» — حمارکشی‌ها و مبارزات طبقاتی و انقلاب‌های بورژوایی در طی دو قرن انباشت سرمایه و کست نظام پیشین. در باره سوم، با توضیح عضو طلایی سرمایه‌داری زراعی تفاوت آن را با سرمایه‌داری صنعتی و وابستگی آن به بازار و نظام جدید تجارت توضیح می‌دهد که چگونه هلند، به رواند تحول از سرمایه‌داری زراعی به سرمایه‌داری صنعتی و دارایی‌گری در انگلستان سرمایه‌داری شکل گرفت و امپریالیسم متولد شد. در دو بررسی عمیق‌تر باز تکرار می‌کند که در آن زمان‌ها با تحولات تاریخی و درهم‌تنیده آنها می‌کند که زایش نظام جدید سرمایه‌داری را ممکن ساخت. شکل‌گیری شهرها، رابطه شهرها و تجارت، نحوه خاص شکل‌گیری سرمایه‌داری در فلوراتس و جمهوری هلند، نقش مهم سرمایه‌داری زراعی و تاثیر آن در ظهور مالکیت سرمایه و اخلاق «عمران و آبادانی» — حمارکشی‌ها و مبارزات طبقاتی و انقلاب‌های بورژوایی در طی دو قرن انباشت سرمایه و کست نظام پیشین. در باره سوم، با توضیح عضو طلایی سرمایه‌داری زراعی تفاوت آن را با سرمایه‌داری صنعتی و وابستگی آن به بازار و نظام جدید تجارت توضیح می‌دهد که چگونه، با